

پیداری

نشریه‌ی کانون فرهنگی خرافه زدایی

گمراهی خواص،

زیانبارتر از

نا آگاهی عوام

است

ایمان

چیز خطرناکی

است

ب. مشیری

شماره ۳۱ - سال پنجم - آذر ماه ۲۷۱۶ ایرانی

ژانویه ۲۰۰۸ میلادی - ۱۳۸۶ عربی

فَلْيَقْتُلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يَشْرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ وَمَنْ يُقْتَلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ
فَيُقْتَلْ أَوْ يَغْلِبْ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا - وَ مَا لَكُمْ لَاتُقْتَلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ
الْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوَالِدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ
الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَل لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَاجْعَل لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا- الَّذِينَ آمَنُوا
يُقْتَلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ الَّذِينَ كَفَرُوا يُقْتَلُونَ فِي سَبِيلِ الطَّغُوتِ فَقْتُلُوا.....

سوره نسا- از ۷۴ به بعد.... ترجمه درون برگها

دکتر م. مهر آسا

بررسی و غوری در سه کتاب آسمانی

در این رشته نوشتارهای پیاپی، روی سخن با کسانی است که با استدلال و منطق سر و کار دارند و با پدیده‌ها خردورزانه برخورد می‌کنند. در نتیجه به این سخنان و دلایل می‌اندیشند و درست و نادرست را از هم تشخیص می‌دهند. اهل دانش و اندیشه، به پندارگرایی و خیالبافی رو نمی‌کنند؛ و تمام اتفاقات را حاصل علت و معلول میدانند. برای پی بردن به مطلب، خواهش می‌کنم قرآن با ترجمه فارسی را تهیه فرمائید و هنگام خواندن این مقالات، مفهوم آن را با محتوای قرآن تطبیق دهید تا صحت گفتار روشن شود.

در شماره پیش نوشتیم که سوره نخست قرآن به نام «فاتحه» دیباچه‌ی کتاب قرآن است. این سوره معنای پارسی‌اش چنین است: «ستایش خدائی که پروردگار جهانیان است. بخشاینده و مهربان. دارنده‌ی روز دین. تنها ترا می‌پرستیم و از تو یاری می‌خواهیم. تو ما را به راه راست راهنمایی کن. راه آنان که به آنها نعمت دادی، نه آنهایی که مورد غضب شمایند و نه گمراهان»

دقت در بافت کلام و مفهوم این سوره که ۶ آیه دارد، دو موضوع

را روشن می‌کند:

دکتر محمد عاصمی

چاه جمکران و منتظران!

این چاه معروف و صف‌های زنانه و مردانه‌ی دیدار کنندگان که معروف حضورتان هست.

حالا بنده از کتاب مستطاب «بحار الانوار» محمد باقر مجلسی عالم الهیات و پیشوای مذهبی و مدرس علوم دینی، کیفیت ظهور امام زمان را برای شما عیناً نقل می‌کنم که بسیار هم محققانه است و مو، لای درزش، یعنی هیچ کدام از درزهایش نمی‌رود:

- «... و حسنی می‌رود به دیدار مهدی و می‌پرسد اگر تو مهدی موعود هستی...»

۱- کو عصای جدت

۲- کو انگشتر او

۳- کو لباس و زره‌اش که فاضل نام دارد

۴- کو عمامه‌اش که سحاب نام است

۵- کو مادیانش یوبوغ نام

۶- کو اشترش اعضا نام

۷- کو اشترش دُلْدُل نام

۸- کو الاغش یعفور نام

۱- سه آیه نخست این سوره، که تعریف و ثناگوئی از الله است، اگر از سوی حضرت محمد باشد، قابل قبول است. زیرا بشری به نام محمد که الله را ساخته و به او اعتقاد دارد، از او ستایش می‌کند. اما مشکل این است که حضرت مدعی است این نوشته ها سخن او نیست و کلام همان الله مورد ستایش است. اینجاست که باید گفت، چگونه آفریدگار جهان در برابر مخلوقش، این چنین خودستایی می‌کند و ستایشنامه برای خود می‌نویسد و به آدمی دستور میدهد که هر روز ۱۷ بار آن را تکرار کنند؟

۲- در سه آیه بعد، لحن و موضوع به کلی عوض می‌شود و ستایش به توسل تبدیل می‌گردد؛ و باز هم سخن از دهان آدمی بیرون می‌آید که مشتاق است «الله» را عبادت کند و از او یاری جوید: «ما را به راه راست هدایت کن. آنها هم راه نعمت دادگان و نه ضلالت پیشگان...» بی تردید سخن انسانی است که خواهان راهنمایی است. دعا می‌کند که در چاه ضلالت نیفتد. و گرنه الله چگونه از خودش می‌خواهد او را به راه راست هدایت کند؟ اصولاً پیروان ادیان سامی از هر قوم و با هر زبان با چنین جملات و مفاهیمی از خدا حاجت می‌خواستند و می‌خواهند.

این سوره با این اوصاف، بخش اصلی نماز است؛ و به نظر میرسد برای ادای نماز که نخستین فریضه‌ی مسلمانان است و آن را رکن دین قرار داده‌اند، در همان روزهای نخست این نوشته فراهم گشته و در اجرای نماز به کار رفته و به همان ترتیب باقی مانده و دیباچه کتاب شده است.

تا اینجا، هدف این بود که نشان دهیم این کتاب، شبیه تمام کتابهایی که در روی زمین بوده و هست، نویسنده و نویسندگانی داشته و توسط آدم یا آدمیانی به رشته‌ی تحریر درآمده است. زیرا در میان حیوانات تنها انسان است که ناطق است و سخن می‌گوید؛ و به همین قیاس، تنها خیالبافان سخن لاهوت و ماوراءالطبیعه را می‌پذیرند... از این پس، تلاش ما صرف ارزش یافت محتوا خواهد شد.

سوره دوم قرآن نامش «بقره» است که معنای گاو دارد. علت نامیدن این سوره به کلمه جالب گاو از سوی مؤلف، این است که نیمی از این سوره در ناسزا به یهودیان است. این همان گاوی است در تورات از آن نام برده شده و قوم یهود، قرار بود آن را برای «خداوند خدا» قربانی کنند؛ و از موسی نشانی های این گاو را می‌خواستند و مرتب به خواسته شان می‌افزودند تا بالاخره گاو را پس از بهانه های فراوان یافتند و برای قربانی آماده شد والسلام. این گاو خوش اقبال نام بخشی بزرگ از قرآن شده است.

این سوره که شامل ۲۸۶ آیه و درازترین سوره قرآن است، بخش مهمش در تهدید و تنبیه و تنبیه مردمی است که یا حاضر به پذیرش اسلام نیستند و یا ایمان هم آورده‌اند، اما حضرت ترس دارد مبادا از دین برگردند و اعتقاد خود را رها کنند. همچنین، سوره پُر است از ناسزا به یهودیان و مسیحیانی که بر دین خود پایدارند و دین

محمد را قبول نمی‌کنند.

آیه نخست سوره این سه حرف است «الم» که در قرائت، الف - لام - میم خوانده می‌شود. بی تردید جمع این سه حرف، هیچ معنا و مفهومی ندارد و مسلمانان و مفسران ۱۴۰۰ سال است معنایی برای آن به دست نیآورده‌اند و تنها به این بسنده کرده‌اند که بگویند: «از رموز خداست...» کدام رمز؟ رازی که ۱۴ قرن لاینحل مانده است؟

معنای آیه دوم تا پنجم چنین است: «۲- بی شک این کتاب راهنمای پرهیز کاران است ۳- همان کسانی که به غیب ایمان دارند و نماز به پا میدارند و از رزقی که ما به آنها دادیم به دیگران احسان می‌کنند. ۴- آنها به آنچه بر تو و بر پیش از تو فرستاده شده است، ایمان دارند و نسبت به آخرت هم کاملاً یقین دارند. ۵- اینها از سوی پروردگارشان هدایت شده‌اند و اینها برندگان یا رستگارانند» این آیات به ما می‌گویند، قرآن جهت راهنمایی کسانی آمده است که اسلام را پذیرفته و به حضرت محمد گرویده‌اند. کسانی که از پیش تربیت شده و متقی و پرهیزگار هم هستند. در واقع نویسنده به ما می‌گوید: این کتاب برای مسلمان کردن کافران نیامده است، برای هدایت معتقدان به محمد است. زیرا:

از آیه ششم برنامه و تصمیم الله عوض می‌شود؛ کلام از جانب خدا جنبه‌ی رفع مسئولیت پیدا می‌کند و چنان است که گویا خدا نیز از عرب هائی که ایمان نمی‌آورند مأیوس شده است. در حالی که این حضرت محمد است که دچار یأس است و از زبان الله درد دلش را بیان می‌کند.

نگاهی از روی دقت و تأمل به این چند آیه هم حیرت آدمی را بر می‌انگیزد و هم حضرت باری تعالی را زیر پرسش می‌کشد...

آیه ۶ سوره بقره «کسانی که کافر هستند، برایشان یکسان است چه آنها را بترسانی و چه نترسانی؛ آنان ایمان نخواهند آورد...» آیه ۷ - خدا بر دل و گوش و چشم آنها مهر می‌زند، و دیده هایشان پوشیده است. آنها گرفتار عذابی عظیم شده‌اند»

آیه ۱۰ - «در دل‌هایشان مرض هست و خدا مرتب این مرض را افزایش میدهد...»

آیه ۱۷ - «آنها کر و لال و کورند و از گمراهی بر نمی‌گردند» این آیات ضمن آن که خشم حضرت را از منکران نشان میدهد، این پرسش مهم را مطرح می‌کند که:

اگر خدا پیامبر تعیین فرموده است تا مشرکان و بت پرستان را به راه راست هدایت کند، چرا بردلها و چشم‌ها و گوش‌هایشان پرده افکنده است که فرمایش رسولش را درک نکنند؟ چرا آنها را در کوری و کری و لالی افکنده که سخنان خدا را نفهمند؟ این الله که می‌باید حامی و پشتیبان پیامبرش باشد تا او بتواند جهل و گمراهی را از قلوب مردم بردارد و آماده‌ی قبول دستورات کند، خودش کافران را کور و کر و لال کرده است که به الله و حضرت محمد ایمان نیاورند. خوب اینجا مقصر کافراند که ایمان نمی‌آورند یا الله که آنان را چنین کر و کور و لال خلق

کرده است؟

می‌بینیم که الله نه تنها کمکی به رسولش نمی‌کند، بلکه درست در برابرش ایستاده و تمام تلاش حضرت را برباد می‌دهد. آیا مردمانی که پرهیزکارند، نماز می‌خوانند، به فقیران کمک می‌رسانند، با مردم مهر و عطوفت می‌ورزند و اعمال نیک دیگر انجام می‌دهند، به پیغمبر نیاز دارند یا گمراهان؟ پیغمبر باید راهنمای گمراهان و نادانان باشد، نه خوبان و گوسفندان. خوبان و نیکوکاران را وجدانشان هدایت کرده است. سعدی بزرگوار ما در تایید همین موضوع فرموده است:

فریدون گفت نقاشان چین را

که پیرامون خرگاش بدوزند:

بدانرا نیکدار، ای مرد هوشیار

که خوبان خود بزرگ و نیکروزند

ببینید استاد سخن از زبان فریدون شاه چه می‌فرماید. فریدون، به نقاشان چین دستور داده است پیرامون خیمه و سراپرده‌اش چنین نوشته‌ای را مليله دوزی کنند: «مواظب بدان باشید و آنان را تربیت کنید؛ وگرنه نیکان و صالحان خودشان خوبند و نیازی به هدایت ندارند.»

من برآنم که سعدی بزرگوار، در این دو بیت، با طنازی و زیباکاری آن آیات قرآن را زیر پرشش و ایراد برده است...

آری! هر خردمندی میدانند که کور نیازمند راهنما و عصاست، بینا خود راه و چاه را می‌بیند و تشخیص می‌دهد

ادامه دارد

چاه جمکران و منتظران!

مانده از صفحه‌ی اول

۹- کو اسب نجیبش براق نام

۱۰- و کو مصحف امیرالمومنین

حضرت همه‌ی اینها را بیرون آورد و نیز عصا بردارد و در بالای سنگی سخت بکارد ناگاه عصا سبز شود و شاخ و برگ درآورد و عوام الناس و مردم با او بیعت کنند...

صد ها سال است که شیادان دستاربنند، این لاطائلات را رواج داده‌اند و در ذهن مردم نشانده‌اند... مردم هایی که همین ها «عوام» نگاهشان داشته‌اند تا از جهل و نادانی آنها استفاده کنند و بر آنها سوار شوند...

اما چه می‌گوئید که در دوران ما نه تنها عوام الناس که خواص الناس و درس خوانده های ما هم بی آنکه لااقل این ده ماده‌ی تاریخی! را طلب کنند؛ عکس خر دجال زمانه را با سوارش در کمره‌ی ماه و در روز روشن دیده‌اند و شعرها و ترانه‌ها برایش سروده‌اند و حالا بعضی از آنها که می‌بینند خود کرده را تدبیر نیست، ذکر مصیبت هم گرفته اند!...

پرفسور منوچهر جمالی

خدایان ناتوان

ایمان ضد ایثار و نثار است که امروزه برای مغلظه و بهره‌کشی از مردم، آن دو را با هم جفت می‌سازند. ایمان قربانی و ذبح مقدس از خودگذشتگی می‌طلبد.

هر کار نیکی در ادیان «ذبح کردن امیال و تعلقات خود» است که به نام «قربانی کردن» مقدس ساخته می‌شود. هرگونه گذشت از خود، ذبح خود یا آزرده جان است.

کسی که جان خود را می‌آزارد و آنرا ذبح می‌کند و مقدس می‌سازد، آماده می‌شود که دیگران را به همان شیوه برای اجرای او امرالله‌اش قربانی کند. الله هایی که ایمان مردمان را به خود می‌طلبند، همه ناتوان از ایثار و نثار کردن هستی خود هستند، خدا، هنگامی ایثار بخش است که بِن گیتی باشد، خودش را در گیتی بپراکند و بگستراند و خودش گیتی شود.

و یهوه و پدر آسمانی و الله چنین خدایانی نیستند. آنها عجز از ایثار کردن خود دارند. آنها از این عجز مطلق خود، برترین فضیلت را می‌سازند!...

محمد در حدیث مشهوری می‌گوید که با دین اسلام، قریه مکه باید همه قراء جهان را فرو بلعد. فرو بلعیدن جهان و انسانها، عقل اسلامی است، همان عقلی که الله نخست آن را خلق کرده است. خود واژه عقل مستقیماً با عقل «بندی که بر بندپای اسب و شتر می‌بندند، تا آنها نتوانند راه بروند» کار دارد...

برای کندن ریشه چنین عقلی، باید دانا و بینا (خردمند که گوهر متفاوت با عاقل دارد) نماد این آزمون برای همه بشود که بینش و دانش خرد ایثاری است، ایثار می‌کند بی آنکه روی پاداش دادن، معامله و تجارت کند. خرد ایثار می‌کند تا دیگری را شاد سازد و در شاد کردن است که او شاد می‌شود.

خرد ویژه گیهای خودش را دارد که با پدیده عقل فرق کلی دارد.

هشدار ضروری

هشیار باشیم در راه تضعیف دین اسلام، باعث تقویت ادیان دیگر نشویم. دین‌ها همه زیان آور و باعث نفاق هستند. هیچ دینی در جهان جز دین اخلاق و قانون بسود انسان نیست. مبادا از چاله‌ی اسلام به چاه دین دیگری بیفتیم.

خویش (با تظاهر به عزاداری برای شهیدان فلان کارزار خانوادگی و قبیله‌ای صحرای کربلا) چنان عایق بندی کرده که همت‌ها می‌خواهد جستن راهی برای تزریق «آنتی بادی» تعقل به درونشان.

کاظم ملک - فرانسه

شیعگری مکتب پوچ‌گرایی!

ریاورزی، دورویی، سه و چهار روئی... در یک کلام پُروئی، استخوانبندی «شخصیت» فردی و جمعی ما را به حداکثر بی‌قواره و زشت کرده است. از دیدگاه من عامل اصلی و محرک خوره‌ای را که به جانمان افتاده می‌بایست در جانی جست و به نابودیش کمر همت بست که از ناکسان گذشته، بسیاری از کسان نیز شهامت نزدیک شدن به آنرا ندارند.

یعنی تحمیل اسلام به زور شمشیر بر ایران! تحمیل را تحمل آوردن در هر امر کوچک یا بزرگ، شخصیت متحملان را از درون متلاشی می‌سازد و انگیزه‌های تحرک و پیشرفت را خنثی می‌کند.

چندی پیش در جانی نوشته بودم که شیعیگری، آن هم نابخردانه‌ترین انواعش که گریبانگیر ایرانیان شده، یعنی نوع دوازده امامی و متکی به ظهور (!) چیزی نیست جز مهلکترین مکتب پوچ‌گرایی - نیهیلیسم - که لباس تقدس و آسمانی! به آن پوشانده‌اند. آسمان! فضا! آیا با سوادان و درس خواندگان مومن به انواع ادیان و مذاهب موسوم به آسمانی می‌توانند تفاوت آسمان (جو - اتمسفر) و فضا را بفهمند؟ اگر آری، آیا قادرند توضیح دهند چگونگی شکل گرفتن آنها را در آسمان و نزولشان را به زمین؟ «وحی؟!». بیانییم برای لحظه‌ای تسلیم این منطق ساده لوحانه شویم و به وحی باور آوریم! در اینصورت بلافاصله حق داریم از خود و از مدعیان پیرسیم که اگر هدف آفریدگار به‌روزی و زیست آسوده مخلوقاتش بوده، چرا وحی را به تک‌تک آنان نازل نکرد تا چنین بلبشوی خونینی را جلوگیرد؟ خداوند کریم و رحیم که نمی‌تواند هوادار تبعیض باشد و یا مبتلا به «سادیسیم»!

عرفان دینی و شکنجه چینی

به معنا و مفهوم عرفان اگر خیانت نوزیم «عرفان دینی» را چیزی مشابه با شکنجه به شیوه چینی خواهیم دانست. ذره ذره و بدون وارد آوردن درد و زخم‌های بدنی، قربانی را هلاک کردن!

واماندگان را دمی آسوده‌گذاریم تا سرگرم و لگردی‌های شبانه باشند در کوچه پس‌کوچه‌ها و کوره‌راه‌های مختوم به بن بست و دلخوش به همگامی با مولانا و بوسعیدها و عطارها (در فرصتی که امیدوارم دست دهد یاوه بودن بسیاری از گفته‌های عارفان دینی را که به عنوان پند شیرین همچون قند به خورد کاهلان فکری می‌دهند به اثبات میرسانم).

عرفان دینی هیچ نیست مگر توجیه شکست از سوی «عالمان» و باسوادان مبتلا به عجز روح و روان. تحمیل اسلام بر ایران، عرفان اسلامی را سبب شد و این کافی نبود، با فراگیرگشتن مذهب شیعه اثنی عشری، پوچ‌گرایی ویژه ناشی از باور به وجود منجی غایب و انتظار ظهور، درد دیگری هم روی آن آمد (قوز بالا قوز) و این دو «ویروس» هلاک‌کننده را مکتب شهادت و وسوسه ماتم پرستی و زار زدن به حال

از کتاب: سخنانی برای اندیشیدن

گردآورنده و مترجم: دکتر احمد ایرانی

در باره‌ی دین و مذهب

● آزادی احمقان از رنجیری که آنرا مقدس می‌دانند کار مشکلی است. ولتر

● سازمان‌های روحانی سبب نادانی و فساد عظیم می‌شوند و در نتیجه اعمال شرارت آمیزی صورت می‌گیرند.

جمیزمدین

● از کسی که خدایش در آسمان هاست برحذر باش.

جرج برناردشا

● نخستین شرط خوشبختی انسان نابودی دین است.

مارکس

● من کل ادیان را بی‌معنی و افسانه حساب می‌کنم.

فتح علی آخوندزاده

● کتاب مقدس دین یهود دارای ارزش تاریخی نیست.

جلال‌الدین آشتیانی

● خداشناسی (الاهیات) دانش دروغ‌های آسمانی است.

میخائیل بوکانین

● پس از خواندن کتاب‌های علمی رایج به این باور دست یافتم که بسیاری از داستان‌های کتاب مقدس نمی‌توانند درست باشند.

انشتین

● روحانیان ذهن مردم را تیره و تار می‌کنند و آنان را کودن بار می‌آورند.

● در قرآن، خدا در حدّ اعلا مطلق و خودکامه است.

شجاع‌الدین شفا

شماره ۱ تا ۲۰ بیداری را بصورت کتاب درآورده‌ایم

این «خردنامه» را هر ایرانی باید در منزل خود داشته باشد.

در وست وود لس آنجلس، اگر بیداری‌گیرتان نیامد سری به

کلبه کتاب ۱۵۱۸ وست وود بزنید. ۶۱۵۱-۴۴۶ (۳۱۰)

مکانیسم نیروی جنسی و غریزی زن در اجتماع برپایه ادیان ابراهیمی

آور بپردازد.» ولی هرگاه امیال جنسی انسان در راه فرمانبرداری از خواست الله به کار رود، هم خشنودی خدا به دست خواهد آمد و هم اینکه فرد بشر را در این دنیا پیروز و در آن دنیا رستگار خواهد کرد. یکی از هدف های خداوند در این دنیا، ادامه نسل بشر است که امیال جنسی، این خواست الهی را برآورده خواهند کرد.»

جورج مردوک می نویسد:

«ما در همبودگاه های غرب، آداب و رسوم جنسی را در وجدان افراد انسان نهادینه می کنیم و یقین داریم ارزش هائی که بدینگونه در درون آنها فرتاب می کنیم، آنها را از ارتکاب فسادهای جنسی نگهداری خواهد کرد. بدین ترتیب، ما به زنان خود حدّ اکثر آزادی داده و باور داریم، ارزش هائی که بدینوسیله در وجدان آنها کارسازی می کنیم، آنها را از فسادهای جنسی پیش از ازدواج و بیوفائی به شوهران پس از ازدواج باز خواهد داشت. ولی، همبودگاه های نوع دوم... کوشش می کنند با ایجاد عوامل خارجی مانند پوشش دختران و زنان بوسیله چادر، محدود کردن آزادی معاشرت اجتماعی و یا کنترل شدید، آنها را از آلوده شدن به فسادهای جنسی و از دست دادن عفت و پاکدامنی خویش باز نگاهدارند.»

پوشش چادر و اثر بازدارندگی آن از فساد جنسی

یکی از نویسندگان (مصری) به نام قاسم امین که هواخواه آزادی زنان است، موضوع کنترل کردن زنان مسلمان بوسیله چادر و سایر عوامل خارجی را مورد بحث و بررسی قرار داده و به این نتیجه رسیده است که زنان بیش از مردان، توان کنترل نیروی غریزی جنسی خود را دارند و بنابراین، محدود کردن زنان مسلمان بوسیله چادر و سایر عوامل خارجی، وسیله ای است برای کنترل مردان و نه زنان. قاسم امین به گونه ای طنزآمیز می افزاید، مردها از زنها در کنترل امیال غریزی خود ناتوان تر بوده و آنها باید خود را بیپوشانند و نه زنها. چرا اسلام اینهمه از زنها بیم و وحشت دارد که حضور آنها را در اجتماع منع کرده است؟ چرا اسلام از جاذبه جنسی زنان روی مردان وحشت دارد؟ آیا اسلام باور دارد که مرد توان رویارویی با زنی را که دارای امیال جنسی نسبت به مرد می باشد، ندارد؟ آیا اسلام باور دارد که توان جنسی زنان بیش از مردانست؟

آیا میل غریزی جنسی زن تجاوزگرانه و فساد آور است؟

در راستای آنچه که در باره ترس از وجود زن در اجتماع گفته شد، امام غزالی باور دارد که نیروی جاذبه جنسی زن برای همبودگاه

تاریخ نویسان و بویژه نویسندگان تازی نشان داده اند که محمد فرد شترچرانی بود که تمایل فراسوی پندار جاه طلبی هایش، او را برای دستیابی به قدرت وادار به ادعای پیامبری کرد و در راستای رسیدن به این هدف، ابتدا به کاروانزنی و آنگاه به گشت و گشتار و قتل و چپاول های بسیار دست زد.

برتراند راسل، بزرگ اندیشمندی که فیلسوف سده بیستم نام گرفته، می نویسد، اسلام در پایه یک سیستم غارت و چپاول و اندوختن ثروت بود و نه توسعه مذهب. دلیل اینکه تعدادی جنگجوی محدود عرب به آسانی بر جمعیت بزرگی از دنیا پیروز شدند، آن بود که منابع ایدئولوژیکی آنها از جمع آوری ثروت و کسب قدرت بنیان گرفته بود. در سرشت سخنان محمد و قرآن نکته ای که در بردارنده تئوری های فلسفی باشد، یافت نمی شود.

تفاوت دیدمان های یهودیت، مسیحیت و اسلام در باره نیروی غریزی جنسی زن

«محمد، شور و نیروی تجاوزگرانه در انسان را نه سرزنش کرده و نه اینکه سرکوب کردن آنها به افراد بشر توصیه می نماید، بلکه باور دارد، هرگاه فرد انسان این نیرو را در خود نابود کند، به موجود خاموشی تبدیل می شود که دیگر وجودش برای همبودگاه اسلامی سودی ندارد. بنا بر باورهای اسلامی، هرگاه فرد بشر نیروهای تجاوزگر خشم و کینه را در خود سرکوب کند، دیگر نمی تواند آنها را در جهاد (جنگ مقدس) و خواست های (بنا به باور او) سازنده به کار ببرد. بدین ترتیب، محمد نیروهای تجاوزگری را که در راه هدف های شیطانی به کار گرفته شوند، مورد نکوهش قرار می دهد، ولی کاربرد همان نیروها را در راه تحقق هدف ها و خواست های الهی تمجید و ستایش می کند... همچنین باید توجه داشت، هنگامی که محمد در باره انتقاد از نفس اماره و یا نیروی شهوانی سخن می گوید، هدف او نفی کامل آنها نیست، بلکه باور دارد فرد مسلمان باید آن نیروها را در راه رضای خداوند و اجرای فرامین او به کار ببرد.»

امام محمد غزالی در کتاب احیاء الدین می نویسد، در اسلام شور جنسی افراد مسلمان باید در راه نظم جامعه اسلامی به کار گرفته شده و در راه خدمت به خداویژگی داده شود. او می نویسد: «اگر میل جنسی در انسان بوسیله ترس از خدا کنترل نشود و در انسان پیروزی یابد، سبب خواهد شد تا انسان به ارتکاب رفتار و کردار ویرانگر و گناه

دارید نه با خود آنها. با بیان چنین سخنی کار خرافه زوایی و روشنگری خودتان را مبهم و مغشوش می‌کنید. بجای سخن نادرست «ما با دین مردم کار نداریم» بفرمایید، ما دقیقاً با دین مردم کار داریم نه با خودشان. ما دستورات دین را باز و افشا می‌کنیم و از دینداران انتقاد هم می‌کنیم ولی حق دموکراتیک آنهاست که سخن ما را بپذیرند یا نپذیرند.

به یاد اعدام عاطفه ۱۶ ساله‌ی مظلوم

۱۸ مهر - ۱۰ اکتبر روز جهانی علیه اعدام است - اتحادیه اروپا در روز ۱۰ اکتبر سال ۲۰۰۳ قطعنامه‌ای را در جهت لغو مجازات اعدام صادر کرد - این اقدام تلاشی در جهت لغو جنایت دولتی اعدام در سراسر جهان است. در حقیقت این اعلامیه علیه اعدام‌های وحشیانه جمهوری اسلامی ایران صادر گردیده است، دولت‌هایی که حذف انسان زنده را از روی زمین بصورت اعدام یا تیرباران و غیره انجام می‌دهند ذات تک تک حکومتگرانش لبریز از خشونت و غرائز حیوانی است چون اگر اعضاء دولتی مخالف این عمل وحشیانه باشند از کار خود استعفا می‌دهند - و ملت‌هایی که در کشورشان اعدام صورت می‌گیرد مردمش همه شریک چنین جنایتی هستند که اعتراضی به اعدام نمی‌کنند و نمایندگانشان در دولت به این کار صحنه می‌گذارند به یاد همه آنهایی که در ایران اعدام شده و می‌شوند خاطره اعدام عاطفه ستم کشیده دختر ۱۶ ساله نکایی را در خود زنده کنیم و برخورد به لرزیم که اخلاق پُر از عشق و محبت ایرانی مان به چه سنگدلی و بی تفاوتی تبدیل شده است و بدانیم که چنین روحیه خشونت گرا از دل ادیان ابراهیمی بیرون آمده و گریبان انسان را گرفته است - نفرین هستی بر نیست کنندگان باد - نام حلاج‌ها ... عاطفه‌ها و میلیون‌ها ایرانی دیگر که بر سر دار دین محمدی به رقص درآمدند ننگی است بر پیشانی ملتی که هنوز خود را مسلمان میدانند.

ترجمه آیه جنگی صفحه نخست

پس بکشید در راه خدا کسانی را که زندگی در این دنیا را به جهان آخرت برتری می‌دهند. و کسی که در راه خدا کشته شود و یا غلبه کند اجر بزرگی خواهد داشت. چرا در راه خدا نمی‌کشید در حالیکه عده‌ای از زنان و مردان ناتوان شما در مکه گرفتار کفارند و می‌گویند، خدایا ما را در این دیاری که در دست ستمکاران است نجات بده.

بیداری را مبادا مشترک شوید

از خواب ۱۴۰۰ ساله بیدارتان می‌کند.

بشر خطرناک بوده و برای ادامه تمدن بشر باید توان ویرانگر زن در همبودگاه بشری سرکوب و نابود گردد. همچنین غزالی باور دارد، برای اینکه مردها به خوبی بتوانند وظائف اجتماعی و مذهبی خود را انجام دهند باید حضور زن در اجتماع کنترل گردد. به گفته دیگر، برتری مرد نسبت به زن باید پیوسته به عنوان یک اصل تغییر ناپذیر، در همبودگاه بشری رعایت شود و برای تحقق این امر باید حضور زن و رفتار او در اجتماع کنترل شده و چند زنی نیز برای مرد به رسمیت شناخته شود. عکاد، نویسنده دیگر مصری که برخلاف قاسم امین مخالف آزادی زنان است، می‌نویسد:

«موجودات مذکر از تمام انواع گوناگون باید همانگونه که از نگر جسمی و بیولوژیکی توانمندتر از نوع مذکر آفریده شده، نوع مؤنث خود را نیز وادار کنند در برابر نیروی غریزی جنسی آنها... سر تسلیم فرو آورد... هیچ موردی در تاریخ نمی‌توان یافت که گفته باشد، زن باید نسبت به مرد برتر شناخته شود.»

«عباس محمود العکاد» یک نویسنده بنیادگرا و خفته خرد اسلامی است که باور دارد «زنان از تسلیم شدن در برابر مردان به شادی، رضا و لذت روانی دست می‌یابند». فریود باور دارد که تمایل غریزی جنسی زن، چون جنبه غیر فعال دارد، به جای اینکه در خارج از بدن او ارضاء شود، به درون او بازگشت می‌کند و در او خوی ماسوخیستی به وجود می‌آورد. ولی، چون در زنان مسلمان این نیرو به شرحی که گفته شد، فعال است، به سوی خارج گرایش می‌یابد و در خارج از وجود او میل به ارضاء می‌یابد.»

عکاد، در این راستاگامی بیش از فریود بر می‌دارد و می‌نویسد، زن‌ها تنها زمانی شاد می‌شوند که زیر قدرت مردان قرار بگیرند. «هنگامی که زنی بوسیله توان مرد از پای درمی‌آید، در آن زمان به اوج لذت و شادی دست می‌یابد.» فرهنگ روابط زن و مرد در دنیا حاکی از آنست که مرد باید پیوسته خود را صیاد و زن خود را صید مرد ببیند. بقیه در شماره آینده

یک مغلظه بزرگ

برخی از کسان که در روشنفکری آنها حرفی نیست ولی گهگاهی بدلیل مصلحت اندیشی و یا بدلیل استحکام پیدا نکردن ریشه مبارزه با خرافات در وجودشان، به یک مغلظه بزرگ و زیانبار دست می‌زنند که امید است این یک اشاره آنها را کافی گردد.

اشاره به مغلظه‌ای است که آنان در هنگام سخن گفتن بدون اینکه نیازی به گفتن باشد، می‌گویند «ما با دین مردم کاری نداریم!!» آقایان خدا و پیامبر و امام و آیت‌الله را به شدیدترین سخن ممکن افشا می‌کنند، رسوا می‌نمایند و پته آنها را به روی آب میریزند ولی در همانحال بخاطر جلب توجه گروه‌هایی از مردم بارها و بارها عنوان می‌کنند «ما با دین مردم کاری نداریم». این سخن یک مغلظه بزرگ است. آقایان گرامی شما دقیقاً با دین مردم که توسط همان پیامبر و امام عرضه شده است کار دارید، شما با اندیشه و رفتار رهبران دین که همان دین آنهاست کار

پرویز صیاد

از فصل نامه کاوه

سخنان چرچیل در باره اسلام

اهمیت سخنان چرچیل نخست وزیر انگلستان در باره اسلام در قدمت آن است که سال‌ها پیش از شیوع اسلام افراطی بر زبان این دولتمرد برجسته آمده است. یعنی یکصد و شش سال پیش چرچیل در بخشی از سخنرانی معروف خود در سپتامبر ۱۸۹۹ میلادی می‌گوید: «مصائبی که دین اسلام به پیروانش تحمیل کرده به راستی وحشتناک و فراسوی پندار آدمیست. اسلام در پیروان خود تعصب‌های کورکورانه به وجود آورده و آنها را مثل کسانی که به بیماری هاری دچار شده باشند به مرز دیوانگی کشانده است. خرد و درایت شان را برای درک حقایق زندگی کرخ و بی‌حس می‌کند و مسلمان این حالت را برای خود سرنوشت الهی دانسته و برای خود گریزی از آن نمی‌بیند، امروزه آثار وحشت آور دین اسلام را (۱۰۶ سال پیش) در مسلمانان بسیاری از کشورها می‌توان مشاهده کرد، این افراد در نتیجه نهادینه کردن اصول و احکام اسلام در افکار خود به سرسری انگاشتن زندگی عادت می‌کنند، روش‌های کشاورزی در این کشورها واپسمانده و شیوه‌های بازرگانی نارسا و غیر استوار گردیده و امنیت مالی در جایی که پیروان اسلام، حکومت یا زندگی کنند ایجاد نمی‌شود.

پیوسته یک حس نفسانی فاسد، زندگی مسلمانان را از موهبت‌های زندگی و همچنین از شأن‌الای انسانی محروم می‌کند، هر زنی باید بصورت کالایی مطلق بشکل همسر یا صیغه به مردی تعلق داشته باشد و این امر تا زمانی که اسلام حاکمیت دارد الغای کامل بردگی را به تاخیر می‌اندازد. فرد مسلمان ممکن است در نگرش شخصی و انسانی دارای خصائل والا و ارزشمندی باشد ولی نفوذ اصول و احکام این دین رشد اجتماعی افرادی را که به آن ایمان آورده باشند فلج خواهد کرد. به گونه کلی می‌توان گفت اسلام واپسگراترین نیروی است که در دنیای ما وجود دارد.

برزو پناهی

لطفاً امام را دست نیندازید

خیر، آقایان، بنده و شما و دیگر مسلمینی را که هیچ حتی خود امام خمینی علیه‌السلام را دست انداخته‌اند. آن هم در سالگرد ارتحال خود حضرت، رسم شده است سالگرد ارتحال امام که میرسد، اندیشمندان و روحانیون بلند مرتبه عالم اسلام را از اذان گوی مسجد عمر در جیبوتی گرفته تا کارشناس ختنه اسلامی در خارطوم دعوت می‌کنند به تهران و این بزرگان عالم اسلام دستمال بدست خود را می‌ریزانند به سر قبر امام و گلاب به رویتان می‌افتند به رقابت با هم در گفتن از فضائل آن

حضرت!

نمونه‌هایی از آنچه را که امسال گفته شد با هم مرور می‌کنیم. از سخنرانان امسال یکی هم کمیل نصر دانشمند سوری بود، کمیل نصر گفت «خمینی نهاد و اوج خردورزی بود، زمانی که همه در جهالت بودیم، امام که آمد ما را از جهالت هم رهانید». ما را بگو که تا به حال فکر می‌کردیم امام فقط ما را از فقر و فلاکت نجات داد!

یک بابای دیگر هم به نام کاظم شاکر استاد دانشگاه فرموده «امام خمینی کرامت انسانی و اقتصاد و معیشت را همیشه در نظر داشت.» نه بدتر هرچه آدم دروغ‌گوست! من می‌گویم اینها امام عزیز ما را دست انداخته‌اند.

یکی دیگر از این اندیشمندان عرب فرموده است، امام چنان کرامت انسانی را در ایران و دنیای اسلام بالا برد که در تاریخ اسلام سابقه نداشته است. به این دانشمند عرب می‌گوییم کرامت انسانی ما مردم ایران را خودمان می‌دانیم که امام آنقدر بالا برد که دخترانمان به خاطر همان فقری که قرار بود امام ما را از آن نجات دهد سر از اطاق خواب‌های شیخ‌های آن طرف خلیج فارس درآورده‌اند. مردم جهان کرامت انسانی مسلمانان را دیدند و نفهمیدند وقتی که بر صفحه تلویزیون‌ها بریدن سر هم نوعان خود را توسط مسلمانان دیدند، اینها در واقع می‌خواستند کرامت انسانی ما مسلمانان را بالا ببرند و قصد دیگری نداشتند.

یک اندیشمند بحری بنام میثم سلمان می‌گوید «امام خمینی با انقلاب اسلامی باعث شکوفایی علم در جامعه بشریت شد!! نه‌نه من مطمئن هستم این دانشمندان، ما و امام ما را برآستی دست انداخته‌اند...»

عید قربان - عید خون

اسلام نه تنها برای پابرجایی و زنده ماندن خودش، به گشتن انسانها نیاز دارد، بلکه از خون حیوان‌ها هم نمی‌گذرد. امروزها عید قربان بود، عید خونریزی و عید نمایش حماقت انسان ناآگاه. چند میلیون آدم باخردبیگانه برای رفتن به بهشت خیالی و یا خوشحال کردن خدای فرضی، در روز عید قربان، خون هزاران گوسفند را بدون داشتن کوچکترین سودی به زمین میریزند و سرمایه سودمند زمین را که می‌تواند سدها خانواده‌گرسنه و بی‌غذا را به درازای یکسال سیر کند، نابود می‌کنند.

پیروان اسلام باور دارند که خدایشان دارای منزلی است در روی زمین که در کشور عربستان قرار دارد و باید سالی یکبار به دیدار این خانه و صاحب خانه بروند. و در همان حال که بوسه‌یی برسنگ در خانه خدا می‌زنند مشتی هم سنگ ریزه بسوی خانه شیطان که او هم در همسایگی خدا می‌باشد پرتاب کنند و بر در و دیوارش بکوبند. این حرکت‌های خنده‌آور پایان نیافته گلوی گوسفندی را هم دستور بریدن و دریدن میدهند که خون حیوان بر زمین خونخواه عربستان بریزد. که حتماً برای اسلام شگون دارد! و آن را بی‌آبروتر می‌نماید!

خلاصه‌ای از نامه های وارده

چرا تاریخ عربی را در صفحه نخست بیداری می گذارید - بدون نام پاسخ = در شماره های پیشین بیداری مشروحاً توضیح داده‌ایم - توضیح کوتاه اینکه، تاریخ عربی در حال حاضر، بدبختانه تاریخ مورد استفاده در میهن ما است، آنها تاریخ را از چنین مشخصه‌یی می شناسند - تاریخ کشورهای بزرگ و متمدن جهان هم مذهبی یعنی میلادی است، تاریخ رسمی ایرانی هم که قانوناً نداریم. فعلاً و از روی ناچاری از همه آنها استفاده می‌کنیم تا به تاریخ تصویب شده و قانونی برسیم.

ایکاش میشد بدانیم که ما باید چند صد هزار قربانی دیگر بدهیم، چند صد هزار تن دیگر از دخترانمان به فحشا رو بیاورند و چند انقلاب ویرانگر دیگر باید ببینیم که این آیت‌الله‌های فکلی بی عبا و عمامه به هوش بیایند و اسلام را بشناسند، حاجی رضا

من یک کلیمی هستم که بر اثر مطالعه به بسیاری از خرافات دینم آگاهی پیدا کرده‌ام از روزهای مقدس در دین ما، مانند روش هشانا و سال نو و غیره که بتوانم بگذرم از یوم کیپور که مقدس ترین روز برای ما است نمی توان به این آسانی گذشت، و هر سال که می‌گذرد عده‌ای سودجو یوم کیپور ما را منبع بزرگ درآمد خود کرده‌اند و ما را از اجرای مراسم دلخواه خود باز میدارند - ما اینک باید پول بدهیم تا بتوانیم برای یوم کیپور وارد کنیسه‌ی خودمان بشویم، چنان دکانی شده است این مراسم که ۴۰۰ - ۵۰۰ دلار بیشتر می‌خواهند تا اجازه بدهند ما این روز را گرامی بداریم، این چه وضعی است این زالوهای اجتماع در بین یهودی ها به مکیدن خون ما افتاده‌اند. از این ها بدتر گرانی بیداد کننده در فروشگاههای مواد غذایی ما است که در این ایام پوست ما را می‌کنند. وضع مادی همه ما کلیمی ها که خوب نیست تا از عهده حرص و طمع این سود جوها برآییم.

در اسلام بزرگترین هتک حرمت به زنان شده است و آنها را نیمه کامل و در ردیف موجوداتی که از نظر اسلام پست هستند قرار داده ولی با کمال تأسف بزرگترین حامی اسلام همانا زنان هستند و ما تا جوانان و زنان را مطلع نکنیم پیشرفتی نخواهیم داشت پیشنهاد می‌کنم در هر شماره بیداری آیه‌ای از قرآن همراه ترجمه آنرا نوشته و مخصوصاً به مردم توجه بدهیم که این آیات در ۱۴۲۸ سال قبل برای مردم عرب زبان سرزمین عربستان بوده که اغلب فاقد سواد خواندن و نوشتن بوده‌اند.

نوشتن گوشه هائی کوتاه از تاریخ طبری شاید بسیار مؤثر باشد تا برای

مردم کاملاً روشن شود که حقیقت غیر از اطلاعاتی است که روی منبر گفته می شود. مثلاً واقعه کربلا آنطور که طبری نوشته کاملاً متفاوت است با آنچه که آخوندها روی منبر می‌گویند در طول ۱۴۰۰ سال گذشته همه‌اش سعی شده که از طریق تغییر حکومت اوضاع بهتر شود ولی اصلاً موفقیت واقعی و دراز مدت بدست نیامده است که علت عدم بیداری توده های مردم می باشد.

در قرآن چه یافتیم

اکنون که قرآن را بطور جدی مورد مطالعه قرار میدهم، متوجه می شوم چرا قرآن را به فارسی بر نمی‌گردانند و یا نماز را باید به عربی میخواندیم تا معنایش را نفهمیم. خوشحالیم که از پس پرده انقلاب مذهبی پنجره رو به شناختی از قرآن و اسلام به روی مردم گرفتار شده‌ی میهن ما باز شد که رو به خاکروبه دانی بزرگی بود و از بهشت و خوشبختی در آن خبری نبود.

من خودم یک تابلوی بسیار زیبایی با خط خوش «وان یکاده» در منزل داشتم و تا زمانی که در بیداری معنایش را نخوانده بودم این نوشته را بسیار محترم و عزیز میداشتم پس از دانستن معنای این آیه تابلوی به آن زیبایی را به درون گاراژ پرت کردم و به حماقت خود خنده‌ام گرفت که تمام عمرم را در گمراهی بسر برده‌ام. درود بر بیداری که بیداری ما را هم باعث شدند.

دوست دارم بیشتر با شما درد دل کنم ولی واژه های عربی به اندازه‌ای هوش و حواس مرا گرفته که نتوانستم بیش از همین چند فراز به شما بنویسم. امیدوارم روزی برسد که با کمک شما مردم ایران از بند زبان عربی رهایی یابند. از نام خودم هم که عربی است شرمندهم -

م - سانی ولی

دوست مبارز و خستگی ناپذیر... آخرین شماره‌ی «بیداری» شماره‌ی ۲۸ بسیار خوب تهیه شده است پیروز و شاد باشید همراه این یادداشت دو چک می فرستم، یکی از خودم و دومی از خانم «ش» است. امیدوارم این شعله‌ی سرکش و بیدار کننده هرگز خاموش نشود.

دکتر احمد ایرانی

یاران گرامی در بیداری - کتاب برآستی خردنامه دریافت شد، با شرمندگی چکی با مبلغ بسیار ناچیز (۵۰ دلار) تقدیم می‌شود که حتا قابلیت قطره‌ای در دریا را هم ندارد. اما دریایی از احترام و ارادت بشما بزرگان گرامی دارم و امید است روزی فرد فرد ایرانی به خواب رفته بیدار شده و اسلام شوم برای همیشه به نزد پایه گذاران... برگردد. - اراده تان آهنین - قلب تان گرم و راهتان روشن باد -

هوشنگ الف - ایلی نویز

سردبیر محترم بیداری

در عنفوان جوانی خواهر مسنی داشتم که گاهگاهی مجلس روضه خوانی داشت.

روضه خوان همین که دهنش را برای روضه باز می کرد خواهرم که اشکش دم مشکش بود به حق و گریه می افتاد. روزی آخوند قبل از آنکه بر منبر سخن پراکنی برود رو به صاحب مجلس که خواهرم بود کرد و گفت: همشیره صبر داشته باش بُردبار باش بگذار من حرفم را بزنم و روضه‌ام را تمام بکنم آن وقت هرچه دلت می خواهد گریه بکن تو از کجا میدانی من چه می خواهم بگویم که این همه بی تابی می کنی؟ من شاید کاری کردم که امام حسین یزید را بکشد! باری وقتی روضه به پایان رسید آخوند را بگوشه‌ای بردم و گفتم: آقا تو خیال نکن خواهر من برای تشنگی امام حسین و یا مظلومی او و احیاناً بریده شدن دست ابوالفضل این همه گریه و زاری و بی تابی و غش می کند او بیشتر بخاطر مظلومی خودش گریه می کند.

با تقدیم احترام - س کریمی کالیفرنیا

سخنی در رابطه با غذای کوشر

با تشکر از مؤسسين و گردانندگان بیداری و با آرزوی پایداری این مجله بیدار کننده.

من از همکیشان خودم می پرسم امیدوارم لحظه‌ای تعقل کنند و فکر کنند این چند لحظه از تعصب بیرون بیایند و به مغز و منطق خودشان رو بیاورند و جواب را به خودشان بدهند.

در این دنیا حدود ۶ میلیارد جمعیت وجود دارد که غذای کوشر نمی خورند آیا این ۶ میلیارد که غذای کوشر نمی خورند همگی به جهنم ساختگی میروند؟؟ و فقط این عدهٔ قلیل یهودی متعصب که پیرو مکتب کوشر هستند به بهشت میروند؟

من نمیدانم تعصب شما از نادانی است یا نادانی شما از تعصب، هر کدام که باشد بیجا و غلط است. (بنیامین - ک)

همکار گرامی و نماینده پخش بیداری آقای شهاب از شهر سن حوزه آمریکا گزارش داد، فروشگاه فانتزی کالکشن که کتابفروشی ایرانی هم دارد. بیداری های دریافتی را بجای دادن بدست مردم و خواستاران آن، ماهها بوده است که در زیر میز خود پنهان می نموده و به کسی نمیداده است. لذا از این ماه به بعد به فروشگاه یاد شده بیداری داده نمی شود و خواستاران به مراکز دیگر پخش بیداری مراجعه کنند.

بدلیل مشکل شدن پخش بیداری در فروشگاهها، در برخی از این فروشگاهها دیگر بیداری نخواهیم گذاشت. با تلفن 320-0013-(858) تماس بگیرید تا بیداری را مستقیماً برایتان

پست کنیم.

من یک افغانی هستم که از افغانی بودن خود شرم دارم. اگر همه عالم آدم و آباد شود با عمق خرافات و زوری که اسلام در افغانستان دارد هیچ وقت میهن من روی خوش نخواهد دید هیچ وقت علم و ترقی راهی خاک بیچاره من نخواهد شد. همه بدبختی های ما هم بدست روشنفکران و دانشگاه دیده ما میباشد که اینک در دستگاههای رادیو تلویزیونی افغانها در سراسر دنیا مشغول بکار هستند، تمام برنامه ها از محمد مصطفی و رسول خدا و خواندن اشعار مذهبی پُر شده است و مرا غمگین و شرمسار می کند که یک برنامه ساز تلویزیون با لباسی خوش و قیافه‌ای جوان اندیشه و فکر پیران سد سال پیش بسر دارد، ای بیچاره افغانی ها شما تا کی بدنبال شعر و قرآن و خرافات روانید. ای عقب مانده ترین ممالک، شما کی بیدار می شوید، جهان به آسمان ها رسید و شما در بند لاهوت و ناسوت به مرگ خود رضایت داده‌اید. سرطان ارتجاع در مغز برنامه سازان تلویزیون و رادیوی افغان در بیرون از کشور خانه کرده است.

آقای سردبیر

بازیچه دست بشر را از او می‌گیرید و بدلائل عقلانی و خردمندانه و شواهد تاریخی او را از این سرگرمی پولساز منع می‌کنید، چه اسباب بازی مشغول کننده‌تر و پولسازتر و جنجال براندازتر از «دین».

خواهش می‌کنم در ضمن اینکه «دین زدایی» می‌کنید، یک راه «زندگی» هم پیشنهاد کنید که انسانهایی که خود توانایی و قدرت «زندگی کردن با خود» و بدون «واسطه» را ندارند به نیروی غیر قابل تصویری که در وجود «خود» دارند دست یابند. ارادتمند - پروین - م

بیداری - خانم - م - گرامی - اگر تحصیل کردگان هر کشوری به این آگاهی برسند که دین خدایی و دین کمک کننده وجود ندارد و حکومت‌ها در راه عدالت اجتماعی و رفاه مادی مردم برآستی بکوشند، در حقیقت شکم مردم سیر باشد و نگرانی از فردایشان نداشته باشند، نیاز به دین احساس نخواهد شد. مذهب هنگامی بجان آدم چنگ می‌اندازد که انسان گرفتار باشد و نگران از آینده، مذهب مستقیماً به خواست‌های مادی انسان پا برجاست.

انسان ها آنقدر که نگران فردایشان و فردای فرزندان خود هستند، بیمی برای پس از مرگشان ندارند. این ترس و نگرانی را بایستی رهبران سیاسی و دولت های خوب و مردمی از انسان بگیرند، آن هنگام خواهید دید نیاز مردم به دین چقدر از میان خواهد رفت. مقایسه کنید مذهبی بودن یک سویسی را با یک بنگلادشی، یک شمال شهری را با یک جنوب شهری و... و... هرچه نیازمندتر، مذهبی تر و هرچه بی نیازتر بی علاقه تر به مذهب.

کدام سرباز میهن

نگون بختی از این بدتر نمی‌شود، سربازان یک کشور که بایستی ملی ترین مردان و زنان آن کشور باشند، یعنی کسانی که لباس حفظ جان و مال و خاک میهن خویش را داوطلبانه پوشیده‌اند و بنام نظامی و ارتشی سرباز میهن شده‌اند. هریکی شان، هر روز سحرگاهان پیش از رفتن به پادگان و محل کار خود، نخست رو به سوی کشور دیگری (عربستان) خبردار بایستد، بجای یک دست با دو دست سلام (اذان نماز) بدهد، سپس از فرط علاقه به آن کشور بیگانه به زانو درآید (رکوع) و هنوز به زانو افتادن کافی نباشد، به خاک بیفتد (سجده) و سر بر تکه‌ای از خاک همان کشور بیگانه (مهر نماز) بکوبد و چنان بکوبد که پیشانی‌اش را همچون دل ناپاکش سیاه کند. و پس از تکرار چند از این احوال، در پایان هم با التماس و حالت مغموم و گریان، دو دست خود را مانند گدایان برای درخواست بخشش از گناهان و آرزوی به گور رفتن در کنار گور حسن و حسین، و علی و ولی و محمد و زینب و غیره به آسمان بلند کرده و جلوی خود بگیرد.

این سرباز دروغین میهن که در واقع میهن اصلی‌اش همان عربستان و در قلب گورستانهای دشمنان ایران است، همان هایی که بارها به ایران یورش آوردند و خون‌ها ریختند و جنایات بی‌شمار کردند پس از اظهار این سرسپردگی ننگین (نماز خواندن بسوی مکه) با دلی شکسته از مظلومیت حسین! و محبوبیت و عظوفت علی!! و با گفتن صلوات بر محمد و آل محمد!!! بسوی پادگان خود روانه می‌شود. این سرباز، ارتشی میهنی نگون بخت ما میباشد، میهنی غرق بیگانه پرستی و خرافات، و غرق نادانی و ناآگاهی. این بیماری جانگناه یکهزار و چهارصد سال است که گریبان نظامیان ایران را گرفته و رها نمی‌کند، ارتشیانی با چنین روان پریشی براحتی در برابر هجوم بیگانه شکست می‌خورند و در برابر فریبکاران مذهبی از نوع آیت‌الله و لعنت‌الله و مجتهد و مرجع تقلید هم مانند موشی مُرده در دستان روبهان مکار و خونخوار ادای سرباز میهن در می‌آورند و فرمانبردار پست‌ترین انسانهای روزگار بنام آخوند می‌گردند، چنین ارتشتیانی مذهب زده که هم در رژیم گذشته فراوان بودند و هم در رژیم کنونی به نوکری روضه خوانها مفتخر هستند، ضد ایرانی و جزو لشکر دشمنان میهن ما می‌باشند نه سربازان ایران. بدبختی بیش از این نمی‌شود، قشری که باید ملی‌ترین افراد کشور به حساب آیند ضد ملی‌ترین‌ها از آب درآمده‌اند، پس چه توقع از دیگران؟

چه توقع داریم که دانشجویان، زنان، و یا کارمندان گرسنه در برابر حکومت زورگو و ستمکار بپاخیزند. بایستی انتقادهای خود را از همه بیشتر بسوی نظامیان زار و زبون شده اسلام بفرستیم تا خود را از نوکری آخوند و کشور نخست شان عربستان رها سازند و جسم و جان به سوی ایران و مردم ایران برگردانند.

باپوزش - در نوشته‌ی عربی صفحه‌ی نخست شماره‌ی پیش واژه‌ی عربیاً به غلط غریباً آمده است. درست بفرمایید.

تلفن از ایران

می‌گویند من مرد روحانی هستم از تهران زنگ می‌زنم، می‌پرسد بچه دلیل از اسلام انتقاد می‌کنید و آن را بدترین دین می‌نامید، اسلام دین رحمت - دین ملامطفت و دین دوستی است. به ایشان قول دادیم چند سطر بی‌خاطر زحمتی که کشیده‌اند و تلفن زده‌اند در بیداری پاسخ دهیم - آقای روحانی بدلائیل زیر است که می‌گوییم اسلام بدترین دین است که البته سایر ادیان هم عیب‌هایشان کم نیست. اسلام.

- ۱- زن را نصف مرد میداند.
- ۲- زن باید با اجازه شوهر از منزل خارج شود.
- ۳- مرد می‌تواند ۴ زن عقدی و هرچند دلش بخواهد صیغه بکند.
- ۴- سن ازدواج را ۹ سال کرده که نامش جز جنایت نیست.
- ۶- غذای انسان را اسلام تعیین می‌کند.
- ۷- لباس انسان را اسلام تعیین می‌کند.
- ۸- نام انسان را اسلام تعیین می‌کند.
- ۹- پیامبرش بجای کمک گرفتن از خدایش برای گسترش دینش - از شمشیر استفاده کرده.
- ۱۰- عباداتش با خونریزی توأم است مانند قمه زنی - سینه زنی - زنجیر زنی.
- ۱۱- غیر مسلمان را کافر میداند و اگر بتواند همه غیر مسلمانها را از صحنه روزگار حذف می‌کند.
- ۱۲- تنها دینی است که دروغ گفتن مجاز شناخته شده است.
- ۱۳- مجازات مسلمان قاتل با قاتل غیر مسلمان یکی نیست - مجازات قاتل مسلمان کمتر است.
- ۱۴- اسلام دین غم، گریه، فقر و سیاهپوشان است.
- ۱۵- گورستان‌ها محل تفریح مسلمانها می‌باشد. و... و... و... آیا این دین بدترین دین نیست؟ که گیر ملت صبور و نجیب ایران افتاده است.

آخرین کتاب ارزشمند دکتر مسعود انصاری محقق دلیر ایرانی بنام «پسیکولوژی محمد» بزبان انگلیسی انتشار یافت، در این کتاب درون مغز یک پیامبر در یک تحقیق علمی، روانشناسی و آزمایشگاهی بررسی می‌گردد. برای تهیه کتاب با این آدرس تماس بگیرید:

Dr. MANSARI

P.O.Box 57374

WASHINGTON DC 20036

سپاس از خداوند

خداوندگارا، همه دنیا را به سمت پیشرفت رهنمون شدی، ما را عقب گرد فرمودی تو را شکر می‌گوییم که لذت زندگی روزگار صدر اسلام را به ما عطا نمودی.

خداوندا اگرچه شکم هایمان گرسنه است، اگرچه هزار آرزو در سر و فقط هزار تومان در جیب داریم، اما تو را شکر می‌گوییم که ما را از نعمت انرژی هسته‌ای برخوردار کرده‌ای. خداوندا اگرچه ما را اجازه به آزادی فرمودی، اما تو را شکر می‌گوییم که طعم تلخ اسارت در کشور خود را چنان بما چشاندی که در عاشورا یاد دشمنان خانواده پیامبر را عزیزتر بداریم.

خداوندگارا تو را شکر می‌گوییم که به ما نجابتی همانند اسبان، وفاداری همچون سگان، اجتماعی همچون گوسفندان بخشیدی که ما را هم جزو اشرف مخلوقات خود گرداندی، پروردگارا تو را شکر گذاریم که از روزگار بدفرجام خود آرزوی قیامت در دل می‌پرورانیم.

هرچه بگویم کم است از محبت های افزون برافزون تو، نوروز است و از تو خواهشی داریم، بیا و بزرگی کن این همه نعمت را در یک مملکت یکجا متمرکز نکن که شاید از چشم زخم حسودان ما را گزند رسد، بیا و الطاف خود را از سر ما بردار و بر کشورهای بیچاره دیگر مانند آمریکا، دبی، آلمان و فرانسه ارزانی بفرما.

معنویت بیش از این باعث دردسر است، معنویت را از ما دریغ فرما، کمی بر مادیات مان اضافه کن اگر قادر متعال هستی، نصف و کمتر از نصف نعمات تو ما را کافی است، ما بندگان خوب و صبور و سربزیر تو نیازمند این همه رحمان و رحیمی و عدالت و بزرگی تو نیستیم از ما دست بکش و چادر توحید و نبوت و عدل و امامت را در کشور دیگری برافراز و ما را در همین معاد زودرس و جهنم زندگی خود وارهان و بقول بی ادب های روزگار بابا ولمان کن و دست از سر ما بردار. هرچه به ما عطا کردی بس است.

آقای حاج فرج دباغ در تکزاس چه می‌کند؟

در تاریخ ۱۵ دسامبر، ماه گذشته در شهر دالاس تکزاس یکی از سخنرانان اصلی جلسه بزرگداشت مولانا آقای حاج فرج دباغ (با نام مستعار عبدالکریم سروش) بودند. پس از سخنرانی آقای سروش، در بخش پرسش و پاسخ، یکی از حاضرین در جلسه به نقش ایشان در اجرای طرح انقلاب فرهنگی و اسلامیزه کردن دانشگاههای ایران اشاره می‌کند که بلافاصله چند نفر از هواداران و یا محافظان آقای سروش فرد انتقاد کننده را از جلسه بیرون کشانده و او را کتک مفصلی میزنند. شخص مضروب کارش به بیمارستان کشیده می‌شود و پرونده‌ای که شاید هم دامن آقای سروش را بگیرد تشکیل شده است. به همین مناسبت توسط ایرانیان ساکن تکزاس اعلامیه‌ای منتشر شده است در راستای محکوم کردن عمل چماقداران اسلامی و یاران آقای سروش.

به همت بلند هم میهنان نامبرده زیر

بیداری شماره ۳۱ منتشر شد

دریافتی ها تا تاریخ پانزدهم جولای ۲۰۰۷»

۵۰ دلار	آقای ب - سن دیاگو
۶۰ دلار	آقای ش - د تارزانا
۲۰۰ دلار	دکتر ه - الف نیویورک
۳۰ دلار	آقای رستم وودلند هیلز
۱۰۰ دلار	آقای م - ک توسط دکتر مهرآسا
۵۰ دلار	آقای م - خ سن دیاگو
۳۰ دلار	آقای د - ش نیویورک
۲۲۰ دلار	آقای سهراب بی ریا
۱۵۰ دلار	آقای س - ن کانتیکت
۴۰ دلار	آقای پرویز برای آقای ن - ف
۳۰ دلار	آقای س - ک سانفرانسیسکو
۱۵ دلار	خانم ف - الف سان متو
۵۰ دلار	دارالترجمه انسینو
۲۵۰ دلار	دکتر س - الف نیویورک
۱۷۰ دلار	آقای قاسم - ط از چند دوست
۲۰۰ دلار	خانم ژاله
۵۰ دلار	آقای M-B-A جورجیا
۲۵ دلار	آقای م - مهدی کانوگاپارک
۱۵۰ دلار	آقای مسعود یوربالیندا
۱۰۰ دلار	آقای احسان لس آنجلس
۲۰۰ دلار	آقای ب - ص -
۲۰ دلار	آقای پ - ت لس آنجلس
۲۵ دلار	آقای الف - ب سانتامونیکا
۳۵ دلار	خانم م - لوس گاتوس
۱۰۰ دلار	آقای ع - فلوریدا
۲۰ دلار	آقای س - ع سن کلمنته
۵۰۰ دلار	آقای م - خ ۲۹ جلد خردنامه هم خریدند
۱۰ دلار	آقای ج - الف
۳۰ دلار	آقای پ - ب سانتامونیکا
۳۰ دلار	آقای ن - س لس آنجلس
۲۰ دلار	خانم س - ر سان دیاگو
۴۰ دلار	خانم ش - ت کانادا
۲۰ دلار	آقای ن - ع هوستون
۳۰ دلار	خانم ب - ج ارواین

بیداری

نشریه کانون فرهنگی خرافه زدائی

Thinking point for Iranian youth

Sex with animals and Human-Khomeini's Teachings

- * A man can have sexual pleasure from a child as young as a baby.
- * It is forbidden if the animal was sodomized by a man while alive in that case, the animal must be taken outside the city and sold.
- * One of the reasons there are many poor and bagger in the Islamist countries, in particular in the shia a nations is that their men to have chances of sodomy with their wife or any woman during menstruation.

خبر درگذشت مردی بزرگ

با خبر شدیم آقای یوسف صداقت (بن شلمو) ناشر ماهنامه‌ی خرافه زدایی (دیروز و امروز) که برای جامعه ایرانیان یهودی انتشار می‌یافت در اثر بیماری درگذشتند. آقای یوسف صداقت، کلیمی زاده دلیر و روشنفکر ایرانی با همراهی تنی چند از جمله خانم پروین مقوم و آقای احسان مقوم برای نخستین بار در تاریخ یهود با برپایی سمینارهای روشنگری و انتشار ماهنامه دیروز و امروز، نقطه عطفی را برای رهایی نسل جوان یهودیان، از دست خرافات و رباهای تاریک فکر ایجاد کردند. نام و یاد یوسف صداقت (بن شلمو) برای همیشه در تاریخ روشنگری، میان جامعه ایرانیان یهودی زنده و جاوید باقی خواهد ماند. امیدواریم سایر روشنفکران این قوم، راه پُر بار و مفید او را که به آزادی کامل فرزندان‌شان خواهد انجامید ادامه بدهند و نگذارند کار این نهضت روشنگری به فراموشی و خاموشی بیفتد.

«هفته بزرگداشت استاد شجاع‌الدین شفا»

هفته سوم ماه ژانویه هفته بزرگداشت ایرانی گرانمایه و پژوهشگر سخت کوش استاد شجاع‌الدین شفا از سوی رسانه‌های ملی میهنی نامیده شده است. خدمات درخشان استاد شجاع‌الدین شفا در راه فرهنگ و ادب ایران در گذشته و در راه روشنگری و ارائه راستی‌های ادیان ابراهیمی در سال‌های اخیر پس از استیلای دوباره تازیان و تازی پرستان بر ایران، چون خورشید فروزان در تاریخ مبارزاتی ایرانیان و بر تارک تاریخ ایران خواهد درخشید. نشریه بیداری همواره از راهنمایی‌ها و یآوری‌های استاد برخوردار بوده و مهرورزی‌های ایشان را به این نشریه کوچک فراموش نخواهد کرد.

برای استاد و همسر مهربانشان که همواره یار و یاور استاد در کارهای فرهنگی بوده است آرزوی شادی‌های بیشتر و تندرستی می‌کنیم. نام استاد شجاع‌الدین شفا تا ابد در تاریخ میهن ما باقی خواهد ماند. که با فداکاری، تمام زندگی خود را پیشکش مردم خود برای تولدی دیگر و تولدی بهتر نمود.

تلفن و فکس بیداری 320-0013 (858)

شماره حساب بانکی در واشنگتن میوچوال شعبه شهر U.T.C

سن دیاگو 309194-5003

www.bidari.org

www.bidari.org

Tel & Fax 858-320-0013

U.S.A

San Diego CA 92192

P.O.BOX 22777

بیداری

BIDARI

Presorted standard
US Postage
Paid
San Diego, CA
Permit # 2686